

ارتباط عام ذرات

مصمّم علی طاهر

به نام خدا

ارزشیاب عام ذرات

محمد علی طاهری

نام کتاب: ارتباط عام ذرات
مؤلف: استاد محمدعلی طاهری
موضوع: تأثیر گذاری بر رفتار ذرات، مواد و... از طریق شبکه شعور کیهانی،
تئوری ارتباط عام ذرات
ناشر: انتشارات عرفان حلقه INTERUNIVERSAL PUBLISHING
شابک: ۹۷۸-۱-۹۴۰۴۹۱-۰۳-۵
امور فنی، هنری و ویرایش: گروه هنری دو امتیازی
نوبت چاپ: اول / مهر ۱۳۹۲
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

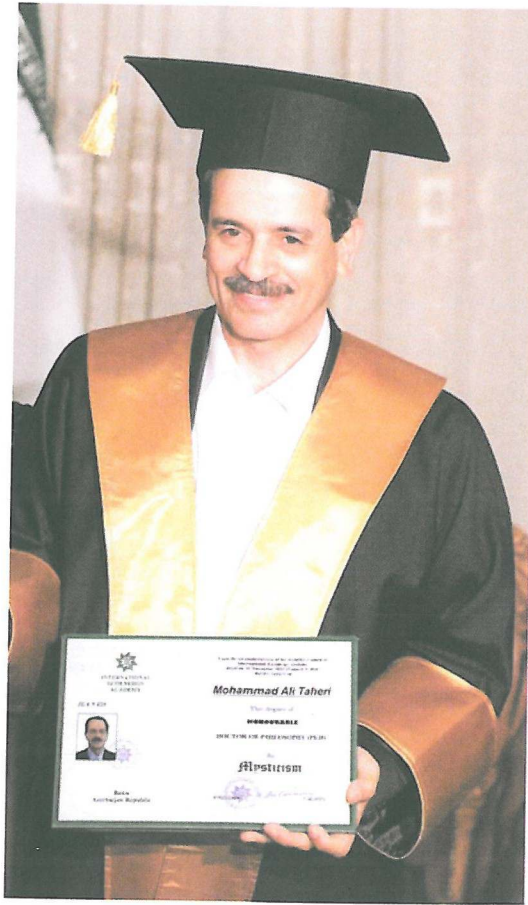


کلیه حقوق و امتیاز برای مؤلف محفوظ می‌باشد.



9 781940 491035

۴۰۰۰ تومان



ولی هر قطره‌ای از آن به صد دریا اثر دارد
کسی کز سرّ این دریا سر مویی خبر دارد

به دریایی فرورفتم که نه پا و نه سردارد
ز عقل و جان و دین و دل به کلی بی خبر گردد

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	تأثیرگذاری بر رفتار ذرات، مواد و... از طریق شبکه شعور کیهانی
۱۲	واقعیت وجودی
۱۲	حقیقت وجودی
۱۳	جهان مجازی
۱۹	منظره جهان هستی با توجه به سرعت ناظر
۲۳	منظره جهان هستی، با توجه به فرکانس چشم ناظر
۲۵	منظره جهان هستی با توجه به آستانه درک فیزیکی ناظر
۲۶	منظره جهان هستی مادی در رابطه با سرعت نور
۲۸	منظره جهان هستی در رابطه با خمش فضا
۲۹	نتیجه‌گیری نهایی در مورد جهان مجازی
۲۹	جهان تک ساختاری (اصل وحدت ساختاری)
۳۰	جهان مجازی در دنیای علم
۳۰	اینترنت کیهانی
۳۲	نظریه ارتباط عام ذرات
۳۳	توضیحات تکمیلی

مقدمه

طی سالهای گذشته نظریات استاد محمدعلی طاهری در قالب طبهای مکمل ایرانی، فرادرمانی و سایمنتولوژی و چگونگی بهره‌مندی از شعور حاکم بر جهان هستی توانسته است به انسانهای بسیاری در جهت سلامت جسم، ذهن، روان و زندگی سالمتر کمک کند.

همچنین نظریه جهان تک ساختاری و ارتباط با هوشمندی کل و استفاده از تسهیلات آن از جمله ایجاد میدانهای شعوری، در قالب تئوری جدیدی به نام ارتباط عام ذرات که به نحوه تغییر رفتار مواد می‌پردازد از طرف ایشان به مجامع علمی عرضه گردید.

از آنجایی که این تئوری، نحوه تأثیرگذاری بر ذرات و مواد را بیان می‌کند و بطور تلویحی بر افزایش راندمان مواد و محصولات اشاره دارد لذا به عنوان فرایندی تأثیرگذار بر صنعت

مورد بررسی فرارگرفت که البته ارائه نتایج حاصل از تحقیقات در محافل علمی، جوایزی را نیز برای مجموعه عرفان حلقه به همراه داشت* و کشورهای بسیاری را با دستاورد جدیدی از ایشان آشنا کرد.

از طرفی دیگر چنانچه نظریه‌ای جدید بوده و صرف نظر از توجیه اقتصادی بتواند کاربرد صنعتی داشته باشد می‌تواند به عنوان پتنت** نیز مطرح گردد.

مراحل ثبت و پذیرش نظریات جدید در کشورهای پیشرفته بسیار سخت و پیچیده است و گرفتن حق امتیاز معنوی که بیشتر مد نظر مجموعه عرفان حلقه می‌باشد مراحل سختی را دربر می‌گیرد. ایالات متحده امریکا یکی از این کشورها است که در آن دادن حق امتیاز به نظریات جدید با بررسی‌های دقیق صورت می‌گیرد.

خوشبختانه تئوری ارتباط عام ذرات در قالبی مطرح شد که توانست شرایط پتنت را داشته باشد و از این طریق پلی به سوی دنیای مدرن و صنعتی زده و فرصتی را فراهم آورد تا دنیای تکنولوژی با عظمت ارتباط با هوشمندی حاکم بر جهان هستی آشنا گردد.

لذا با توجه به دستاوردهای ارائه شده، مجموعه عرفان حلقه بر آن شد تا متن کامل تئوری ایشان و توضیحات تکمیلی را در قالب کتاب پیش رو به علاقمندان تقدیم کند.

از تمام همراهان و همدلانی که در این خصوص ما را صمیمانه یاری دادند سپاسگزاریم. با دستان پرمهر شما دری از درهای رحمانیت و مغفرت الهی گشوده شد تا نسیم حکمت و معرفت بردلهای مشتاقان وزیدن بگیرد.

** مدال برنز مسابقات بین‌المللی MTE مالزی 2012، مدال نقره نمایشگاه نوآوری‌های اروپا EURO INVENT 2012

مدال نقره مسابقات بین‌المللی Itex مالزی 2012

*** Patent پتنت، حق انحصاری مادی و معنوی است که برای استفاده از یک فرایند در محصولات به فرد بینگذار اعطا می‌گردد.

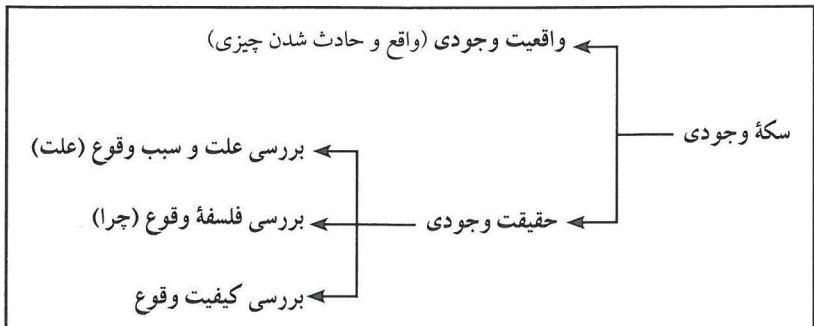
Application Number: 13196596

تأثیرگذاری بر رفتار ذرات، مواد و... از طریق

شبکه شعور کیهانی

جهت بررسی تأثیرگذاری بر رفتار ذرات و مواد از طریق شبکه شعور کیهانی، ابتدا شبکه شعور کیهانی یا هوشمندی حاکم بر جهان هستی را از نقطه نظر تئوری بررسی کرده و به همین جهت بحثی به نام سکه وجودی را مطرح می‌کنیم تا در خلال این بحث بتوانیم هوشمندی حاکم بر جهان هستی مادی را اثبات کنیم. وجود هر پدیده‌ای را در عالم هستی مادی، مانند سکه‌ای در نظر می‌گیریم که دورودارد:

واقعیت وجودی و حقیقت وجودی.



۱. واقعیت وجودی

واقعیت وجودی هر پدیده‌ای، نشان می‌دهد که آن پدیده وجود دارد، واقع شده، اتفاق افتاده و حادث شده است؛ چه از علت، چگونگی و نحوه وقوع آن، اطلاع داشته باشیم یا اینکه هیچگونه اطلاعی نداشته باشیم. این بخش از وجود، یا قابل مشاهده است یا اثر خود را روی محیط می‌گذارد یا امکان ثبت، ضبط و اندازه‌گیری را داشته و یا چند مشخصه از مشخصات فوق را دارا می‌باشد. برای مثال، وجود یک تکه سنگ واقعیت دارد و آن سنگ حادث شده و به وجود آمده است؛ چه نحوه به وجود آمدن آن را بدانیم و چه ندانیم. بعضی پدیده‌ها هم ممکن است رؤیت نشوند و حسی روی آن نداشته باشیم ولی واقعیت داشته باشند، برای نمونه، اشعه مادون قرمز واقعیت دارد، هرچند که نمی‌توانیم آن را ببینیم و یا لمس کنیم، اما قادر هستیم آن را با تجهیزاتی اندازه‌گیری کنیم یا مورد بهره‌برداری عملی قرار دهیم.

۲. حقیقت وجودی

حقیقت وجودی، موضوع‌هایی را در رابطه با واقعیت وجودی مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد که عبارت‌اند از:

علت وجودی و نحوه وقوع

برای مثال، علت به وجود آمدن سنگ چیست؟ و یا چرا جهان هستی پیدایش یافته است؟ (چه عواملی سبب پیدایش جهان هستی بوده است؟)

طرح وجودی و مسائل پشت پرده واقعیت وجودی

هر واقعیتی به دنبال طرح و نقشه‌ای باید اتفاق افتاده باشد و با بررسی مسائل پشت پرده هر واقعیتی، می‌توان به طرح و نقشه وجودی آن واقعیت پی برده و آن را مورد مطالعه قرار داد. برای مثال: انسان چرا و به چه منظوری به وجود آمده است و یا فلسفه خلقت جهان هستی چیست؟

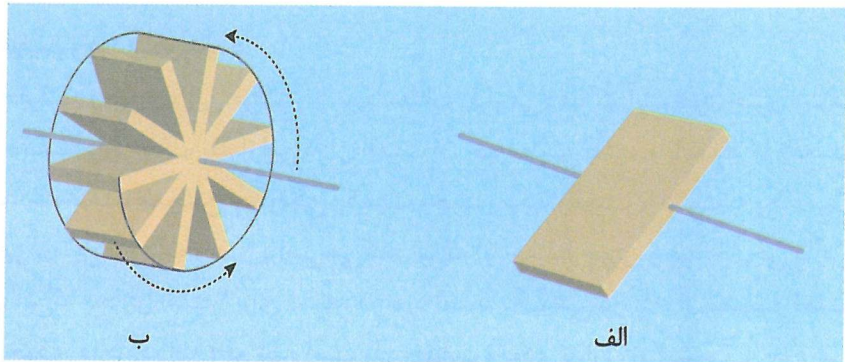
کیفیت وجودی هر پدیده

حقیقت وجودی، این موضوع را مورد مطالعه قرار می دهد که آیا وجود چیزی اساساً حقیقت دارد صرف نظر از این که از واقعیت آن چیز مطمئن باشیم و یا به نظر ما واقعیت نداشته باشد. همچنین چگونگی و کیفیت وجودی یک واقعیت را نسبت به یک مبنا، زیر ذره بین قرار داده و آن را بررسی می کند؛ این که آیا حقیقتاً چیزی وجود خارجی دارد؟ یا این که مجازی است؟ برای نمونه، در مورد تصویر یک شیء درآینه؛ آن تصویر واقعیت وجودی دارد و درآینه واقع شده است ولی حقیقت وجودی ندارد، زیرا نسبت به خود شیء مجازی است. پس چیزهایی می تواند در عالم هستی واقعیت داشته و واقع شده باشند، اما نسبت به خود آن چیز از حقیقت وجودی برخوردار نباشند و برعکس بعضی چیزها از نظر ما واقعیت نداشته ولی حقیقت وجودی داشته باشند، مثل اشعه مادون قرمز که با چشم انسان دیده نمی شود و برای ما واقعیت ندارد ولی چون با ابزارهایی قابل تشخیص است، نسبت به چشم ما دارای حقیقت وجودی است. و یا هاله های پیرامون انسان که با چشم معمولی دیده نمی شوند و از نظر انسان واقعیت نداشته و سالها تصور می شده است که این صحبتها خرافه ای بیش نیستند ولی با عکسبرداری کرلیان قابل مشاهده شدند؛ پس با وجودی که قابل رؤیت نیستند ولی حقیقت وجودی دارند. لذا حقیقت وجودی، چگونگی و کیفیت وجودی هر پدیده و هر موضوعی را مورد بررسی قرار می دهد.

حال جهت شناخت شبکه شعور کیهانی لازم است واقعیت و حقیقت وجودی جهان هستی مادی را مورد بررسی دقیقتری قرار دهیم که به دنبال این بحث، موضوع **جهان مجازی** را مطرح می کنیم.

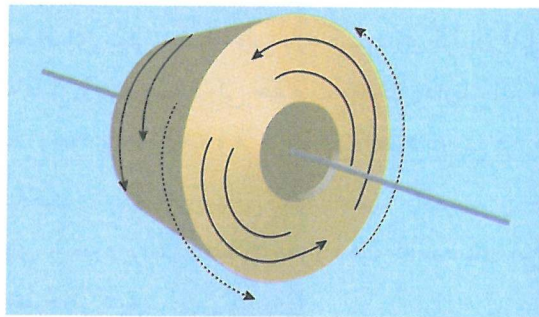
جهان مجازی

فرض کنید مطابق شکل ۱ (الف) تیغه ای داریم که می تواند حول محور وسط آن بچرخد. اگر سؤال کنیم که این تیغه در حالت ثابت واقعیت وجودی دارد یا خیر؟



شکل ۱

پاسخ این پرسش مثبت است، زیرا این تیغه حادث شده و واقعیت دارد. حال اگر مطابق شکل ۱ (ب) این تیغه را حول محور آن با سرعت به چرخش درآوریم، آنچه راکه مشاهده می‌کنیم، استوانه‌ای است که اندازه قاعده آن قطر تیغه و ارتفاع آن، ضخامت تیغه خواهد بود (شکل ۲).



شکل ۲

حال اگر سؤال شود آیا این استوانه واقعیت دارد؟ پاسخ به این پرسش نیز مثبت خواهد بود، زیرا این استوانه حادث شده و به وجود آمده است؛ بنابراین واقعیت دارد و اگر سؤال شود که آیا این استوانه، حقیقت نیز دارد؟

پاسخ به این پرسش منفی است، زیرا چنین استوانه‌ای وجود خارجی نداشته و هر زمان که تیغه را از حرکت باز داریم استوانه مورد بحث ناپدید می‌شود. بنابراین استوانه یک حجم مجازی و ناشی از حرکت تیغه می‌باشد. بنابراین، وجود این استوانه واقعیت دارد، ولی فاقد حقیقت وجودی است.

به دنبال این مشاهده و بررسی آن، به طرح سؤالات دیگری می‌پردازیم.

آیا جهان پیرامون ما واقعیت وجودی دارد؟

جواب به این پرسش بی‌گمان مثبت است، زیرا ما وجود داریم و می‌توانیم جهان هستی را نیز مشاهده کنیم.

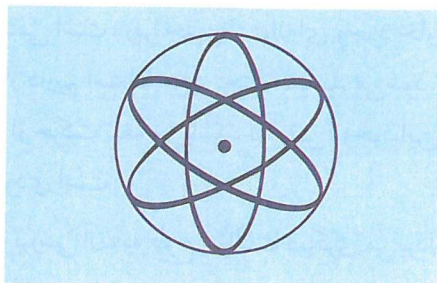
آیا جهان پیرامون ما، حقیقت وجودی نیز دارد؟

برای پاسخ به این پرسش، به بررسی اجمالی و سریعی از ساختار جهان پیرامون خود، در حدی که تاکنون قابل مشاهده و بررسی بوده است، می‌پردازیم. می‌دانیم که جهان پیرامون ما از ماده و انرژی شکل گرفته است.

در ابتدا بخش ماده را که شامل اجرام سماوی است در نظر گرفته و ساختمان آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. این اجرام از مولکولها و مولکولها نیز از اتمها تشکیل شده‌اند و اتمها نیز به نوبه خود از ذرات بنیادی و ضد ذرات آنها شکل گرفته‌اند. این سیر تا منهای بینهایت در دل اتم ادامه دارد.

اکنون به مطالعه یک اتم به عنوان آجری از ساختمان خلقت می‌پردازیم و برای بررسی دقیقتر، آن را به اندازه یک زمین فوتبال در نظر می‌گیریم؛ در این صورت این اتم، هسته‌ای به اندازه یک توپ فوتبال خواهد داشت (شکل ۳). اگر از فاصله‌ای دورتر به آن نگاه کنیم، کره عظیمی را می‌بینیم که یک زمین فوتبال در دل آن جای می‌گیرد. اینک به طرح سؤالی می‌پردازیم. حجم و شکل این کره عظیم، از کجا ناشی شده است؟

در جواب باید بگوییم که این حجم بر اثر حرکت الکترونها ایجاد شده است که به آن ابر الکترونی گفته می‌شود.

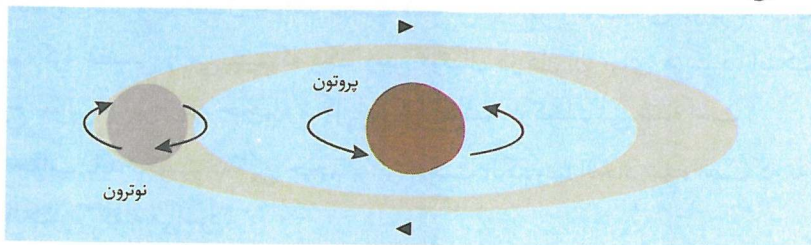


شکل ۳

آیا وجود این کره عظیم واقعیت وجودی دارد؟

جواب مثبت است، زیرا این کره حادث شده و واقعیت دارد، ولی آیا حقیقت وجودی نیز دارد؟

اگر در یک لحظه حرکت الکترونها متوقف شود، این حجم که ناشی از حرکت الکترونهاست، ناپدید شده و از مقابل چشمان ما محو می شود و فقط هسته آن که در این مثال به اندازه یک توپ فوتبال است، باقی می ماند. پس نتیجه می گیریم که این حجم وجود خارجی نداشته و ناشی از حرکت بوده؛ در نتیجه مجازی است. حال با همین شیوه، هسته اتم را بررسی می کنیم. می دانیم که هسته اتم از پروتون و نوترون تشکیل شده است، مطابق شکل ۴ پروتون به دور محور خود چرخش کرده و نوترون نیز با سرعت بسیار زیادی در جهت عکس حرکت پروتون، هم به دور خود چرخیده و هم به دور پروتون می چرخد. چرخش نوترون به دور پروتون، دیسکی را پدید آورده و حجمی مجازی را ایجاد می کند.



شکل ۴

حال در صورتیکه حرکت پروتون و نوترون متوقف شود، این حجم نیز ناپدید می‌شود و از آن فقط ذرات بنیادی به جای می‌ماند که حجمی به مراتب کمتر از حجم قبلی دارد و اگر به همین ترتیب به داخل ذرات هسته نفوذ کرده و حرکات آنها را در سطوح مختلف متوقف کنیم، باعث می‌شود که حجمهای حادث شده به واسطهٔ حرکت آنها، یکی پس از دیگری محو شود و اثری از آنها باقی نماند. با این ترتیب پی می‌بریم که مجموعه‌ای از بینهایت حرکات بنیادی، هستهٔ اتم را شکل داده است و پس از آن، از اتمها مولکولها و از مولکولها نیز بخش مادی شکل گرفته است. با این توصیف می‌توان گفت:

جهان هستی مادی از «حرکت» آفریده شده است.

از نگاهی دیگر نیز می‌توان به همین نتیجه رسید؛ می‌دانیم که در فیزیک مدرن، ماده موج متراکم است و موج نیز حرکت تلقی می‌شود، پس همهٔ جهان هستی مادی، چه از بُعد ماده نگاه شود و چه از بُعد انرژی، از موج ساخته شده و همانگونه که اشاره شد، موج نیز از «حرکت» به وجود آمده است. با شرح مختصر و ساده‌ای که گذشت، می‌توان به پرسش قبلی مبنی بر این که آیا جهان هستی مادی «حقیقت وجودی» دارد یا خیر، پاسخ داد. در جواب می‌توان گفت، با توجه به اینکه جهان هستی مادی از حرکت آفریده شده است، پس جلوه‌های گوناگون آن نیز ناشی از حرکت بوده و نظر به اینکه هر جلوه‌ای که ناشی از حرکت باشد، مجازی است؛ در نتیجه جهان هستی مادی نیز مجازی بوده و «حقیقت وجودی» ندارد. به دنبال این موضوع که جهان هستی مادی از حرکت به وجود آمده است، سؤال دیگری را مطرح می‌کنیم:

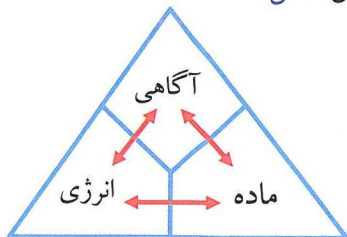
چه عاملی، به بینهایت حرکت موجود در جهان هستی جهت داده است به گونه‌ای که از میان این همه حرکت، سیستمی کاملاً سازماندهی‌شده و هدفمند، تجلی پیدا کرده است؟ در پاسخ باید گفت: تنها چیزی که می‌تواند به بینهایت حرکت موجود، جهتی هدفمند داده باشد، وجود عاملی هوشمند است؛ که قادر بوده و هست تا تشخیص دهد که هر حرکتی در چه جهتی و به چه صورتی باید انجام شود تا نتیجهٔ نهایی آن بتواند سیستمی

همانگ، هدفمند و گویا باشد. بنابراین، ماده و انرژی و یا به عبارت دیگر ساختار جهان هستی، از هوشمندی و یا شعور یا آگاهی به وجود آمده است. پس در اصل:

جهان هستی مادی از «آگاهی یا شعور و یا هوشمندی» آفریده شده است.

برای مثال، بدون وجود آگاهی انسان قادر نیست از ماده و انرژی استفاده کند؛ یعنی در صورتیکه انسان، ماده و انرژی را در اختیار داشته باشد، بدون داشتن آگاهی و اطلاعات نمی‌تواند از آنها استفاده هدفمندی داشته باشد.

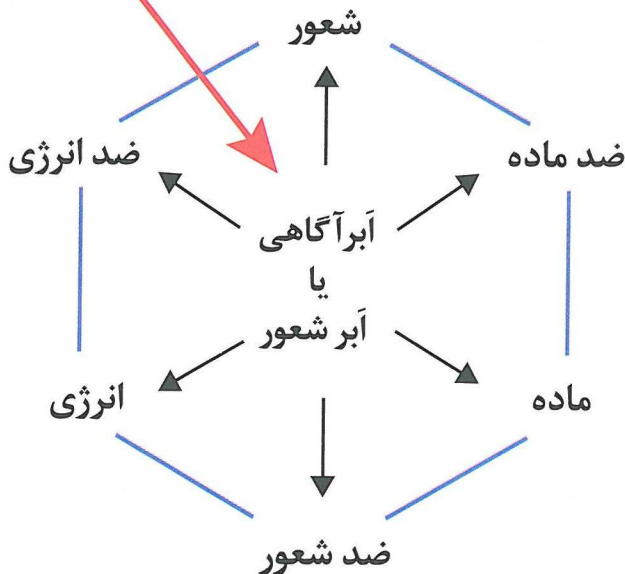
پس ساختار اصلی جهان هستی مادی، هوشمندی، آگاهی یا شعور است که ماده و انرژی از آن به وجود آمده است. بنابراین، در هر لحظه سه عنصر در جهان هستی وجود دارد که آنها را می‌توان مطابق شکل ۵ نشان داد:



شکل ۵

همانگونه که در شکل ۵ دیده می‌شود، هریک از عناصر فوق قابل تبدیل شدن به یکدیگر هستند. در مورد تبدیل آگاهی به ماده و انرژی، توضیحات مختصری داده شد ولی تبدیل ماده و انرژی به آگاهی، خود بحث مفصل و پیچیده‌ای دارد که جداگانه بررسی خواهد شد. در صورتیکه بخواهیم اجزای جهان هستی را ریزتر و دقیقتر مورد بررسی قرار دهیم، به شکل شماتیک ۶ می‌رسیم. این شکل، همهٔ عناصر موجود جهان هستی مادی را که بطور همزمان و در یک لحظه، وجود دارند، به نمایش می‌گذارد.

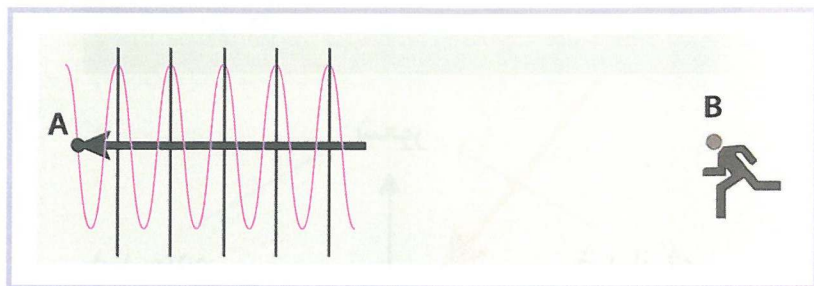
آگاهی کل قبل از انعکاس در جهان دوقطبی (جهان تضاد)



شکل ۶

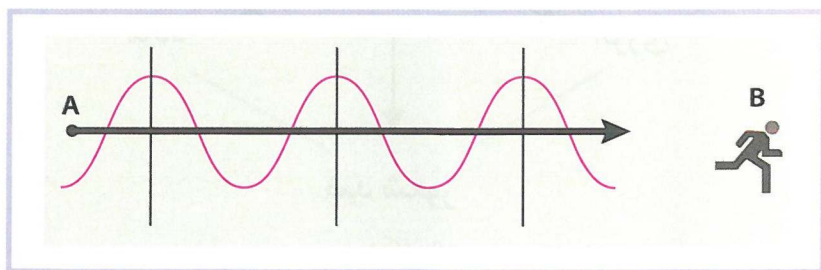
منظره جهان هستی با توجه به سرعت ناظر

حال در نظر بگیریم ناظری در فضا با سرعت حرکت کند، می دانیم در صورتیکه به یک منبع صوت و یا نور نزدیک و یا دور شویم، فرکانس و طول موج آنها تغییر می کند. برای مثال، در صورتی که منبع مورد نظر صوت باشد، با نزدیک شدن به آن، طول موج آن فشرده تر شده و درهم می رود، در نتیجه فرکانس آن افزایش پیدا کرده، صوت زیرتر شنیده می شود و در صورتی که از آن دور شویم، طول موج بازتر و فرکانس آن کاهش پیدا کرده، صدا بم تر به گوش می رسد (پدیده دپلر). همین موضوع در مورد منبع نور نیز صدق می کند و با نزدیک شدن و دور شدن نسبت به آن، با تغییر فرکانس روبرو می شویم. در نتیجه، مناظر روبروی ما تغییر می کنند (شکل ۷).



شکل ۷

شکل ۸ نشان می‌دهد که وقتی از منبع نور و یا صوت در حال دور شدن باشیم، طول موج آن منبع بیشتر شده، در نتیجه فرکانس آن کاهش پیدا می‌کند و صدا بم‌تر شنیده می‌شود.



شکل ۸

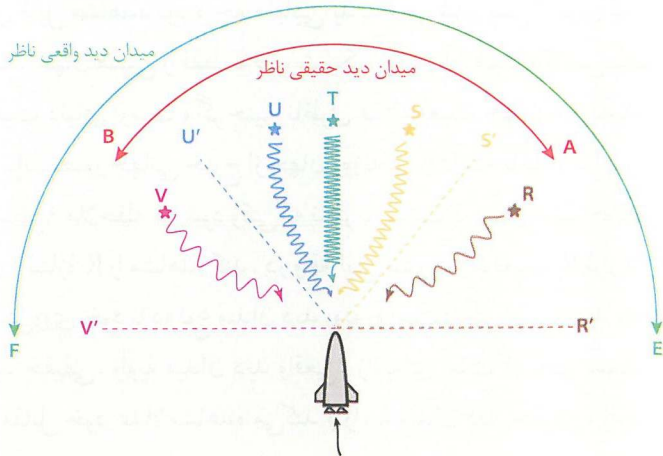
بار دیگر ناظر مورد بحث را در نظر گرفته و مشاهدات او از مناظر مقابل چشمانش را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بدیهی است که هر چه در سرعت ناظر افزایش و یا کاهش پیدا کند، منظره مقابل او نیز تغییر کرده و در هر سرعتی منظره جهان هستی به شکلی برای ناظر جلوه‌گر می‌شود. اگر منظره جهان هستی را در حال حاضر اینگونه می‌بینیم، به این علت است که با سرعت نسبتاً ثابتی در حال حرکت در فضا هستیم، زیرا زمین که جزئی از منظومه شمسی است با سرعت تقریباً ثابتی به دور خود و خورشید می‌چرخد و منظومه شمسی نیز در یکی از بازوهای کهکشان راه شیری قرار داشته و با سرعت معینی حول مرکز آن در گردش بوده و این کهکشان نیز با سرعتی در فضا، به دور مرکز دیگری در گردش است.

که به هر حال سرعت نهایی ما به حدی است که جهان هستی را، از نظر تنوع رنگها و منظره، اینگونه می بینیم.

در سرعتهای بالا، آنچه که ناظر مشاهده می کند باز هم تفاوتهای فاحشی با آنچه که در حال حاضر می بینیم، دارد. ما در حال حاضر پیرامون خود را به راحتی مشاهده می کنیم اما هرچقدر سرعت حرکت بیشتر شود، زاویهٔ منظرهٔ مقابل ما جمع تر شده بطوری که اگر بر فرض محال می توانستیم با سرعت نور حرکت کنیم، آنچه که به عنوان ناظر قادر به مشاهده بودیم، فقط روزه ای بود در مقابل دیدگان ما و غیر از این روزه، چیز دیگری را نمی توانستیم مشاهده کنیم، زیرا نورهای کناری تا به چشمان ما می رسیدند، از آن محل دور شده بودیم. در ضمن، این روزه، فرکانس بینهایت نیز پیدا می کرد (صرف نظر از این که با متراکم شدن موج ماده پدید می آید و در یک سرعتی احتمالاً در مقابل حرکت ما دیوارهٔ غیرقابل عبور تشکیل می شود و موج متراکم شده و تبدیل به ماده می گردد) و معلوم نیست که از آن روزه چه چیزی قابل مشاهده بود و چه دنیایی پدیدار می شد. پس ناظری که با سرعت نور حرکت کند، جهان هستی را فقط به صورت یک روزه، آن هم با فرکانس بینهایت می دید و این واقعیت دنیای اوست و اگر چنین ناظری قبلاً واقعیت جهان ما را ندیده باشد، بطور قطع نمی تواند تصور جهانی خارج از جهان روزه ای را داشته باشد و یا آن را درک کند. با توجه به شکل ۹ ملاحظه می شود وقتی که ناظر به سمت راست خود نگاه می کند و برای مثال، ستارهٔ R را مشاهده کند، در واقع این ستاره در موقعیت R قرار دارد. بنابراین، ناظر در پیش روی خود با دو نوع میدان دید روبه روست: یکی میدان دید واقعی و دیگری میدان دید حقیقی. زاویهٔ میدان دید واقعی، زاویه ای است که ناظر نسبت به شیء مورد رؤیت در مقابل خود عملاً مشاهده می کند و زاویهٔ میدان دید حقیقی، زاویه ای است که محل حقیقی شیء مورد رؤیت، نسبت به ناظر قرار گرفته است. در اینجا دیده می شود که هرچقدر سرعت ناظر بیشتر شود، زاویهٔ میدان دید AB و EF کمتر می شود، بطوری که در سرعت نور، پشت سر او چیزی قابل مشاهده نبوده و در مقابل او نیز موج متراکم با فرکانس بینهایت تشکیل می شود.

با توجه به توضیحات فوق، طول موج انرژی در سرعت‌های بالا، به قدری متراکم می‌شود که در مقابل ناظر، ایجاد موج متراکم (که همان ماده است) کرده و سدی را در مقابل او ایجاد می‌کند. پس در یک شرایط فرضی ویژه‌ای که بسته به سرعت حرکت ناظر دارد، جهان صُلب و سخت می‌شود و به هر طرف که بخواهد حرکت کند، برخورد با امواج متراکم شده دیواره‌ای سخت تشکیل شده و راه او را سد می‌کند (بنابراین جهان هستی هم محدود و هم لایتناهی است). با متوقف شدن ناظر، دوباره فرکانس مقابل او از فشردگی خارج شده و از حالت ماده که خود موج متراکم است، به موج غیرمتراکم تبدیل می‌شود و باز هم با سرعت گرفتن ناظر، همین ماجرا تکرار می‌شود. در نتیجه:

- سرعت سفینه در فضا محدود بوده و از یک حدی بیشتر نمی‌تواند باشد.
- نمی‌توان با سرعت‌های بالا، بطور ثابت در فضا حرکت کرد (شکل ۹).



شکل ۹

با این توضیحات، نتیجه می‌گیریم جهان هستی بینهایت نوع منظره داشته و هر ناظری بسته به سرعتی که در فضا دارد، آن را به شکل خاصی می‌بیند، به این ترتیب امکان

واقعیهایی هست که اصلاً تصورش را نیز نخواهیم داشت. اما در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که آیا جهان هستی دارای یک منظره اصلی است؟
با بررسی موضوع به این نتیجه می‌رسیم که:

- جهان هستی مادی دارای یک منظره ثابت و اصلی نیست و منظره آن بستگی به سرعت ناظر دارد.
- با توجه به اینکه ناظر می‌تواند بینهایت سرعت مختلف داشته باشد، پس برای هر ناظر، بینهایت نوع منظره از جهان هستی مادی وجود خواهد داشت.

منظره جهان هستی، با توجه به فرکانس چشم ناظر

هر ناظری با چشمان خود به جهان هستی نگاه می‌کند و هر چشمی دارای فرکانسی است که نشان می‌دهد چند تصویر را در یک ثانیه می‌تواند دریافت کرده و درک کند. این فرکانس در مورد چشم انسان ۲۴ تصویر است؛ یعنی زمانی که ۲۴ تصویر در یک ثانیه از مقابل دیدگان ما عبور کند، آن تصاویر را پیوسته می‌بینیم. اگر فرکانس تصاویر کمتر از این تعداد باشد منظره، بریده بریده و غیر پیوسته به نظر می‌آید (اساس اختراع سینما) و با افزایش سرعت تصاویر، منظره به طرز غیرعادی دارای حرکاتی سریع شده و باز هم در سرعت بیشتر، تصویرها غیر قابل تشخیص می‌شوند.

پس اگر انسان جهان هستی را به این شکل می‌بیند، به دلیل فرکانس چشم اوست و اگر این فرکانس عدد دیگری بود، منظره جهان هستی نیز به گونه دیگری دیده می‌شد. برای مثال، اگر تیغه‌ای با سرعت ۵۰ دور در ثانیه دوران کند، انسان در پیش چشمان خود دایره‌ای مشاهده می‌کند، حال اگر فرکانس چشم ناظری به همین مقدار یعنی ۵۰ باشد، حرکت تیغه را ثابت دیده و فقط ثانیه‌ای ۵۰ بار مشاهده می‌کرد که سر تیغه‌ها جابجا می‌شود و اثری از دایره نیز دیده نمی‌شد.

منظره‌ای که یک عقاب با فرکانس چشم ۲۰۰۰۰ می‌بیند، بطور کامل با آنچه که انسان می‌بیند، تفاوت دارد. یک عقاب می‌تواند با دقت تمام حرکت یک مگس را در هر لحظه دنبال کند، در حالی که انسان قادر به این کار نیست. همچنین منظره بارش باران را به صورت قطره قطره می‌بیند، در حالی که ما آن را به صورت خطی نظاره می‌کنیم. یا آنچه را که یک حلزون با فرکانس چشم ۵ می‌بیند بسیار عجیب و غریب است؛ برای مثال، زمانی که در حال حرکت هستیم، دنباله‌ای را پشت سر ما، به طول چندین متر می‌بیند (شکل ۱۰) و فقط زمانی که بطور کامل ثابت ایستاده‌ایم ما را به همین شکل می‌تواند ببیند و یک مگس در حال پرواز را به‌گونه‌ای می‌بیند که دنباله‌ای به طول چندین متر دارد.



شکل ۱۰

حال اگر فرکانس چشم انسان بینهایت بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ آنچه که پیش چشمان هر ناظری قرار دارد، نتیجه پیوستگی تصاویر است و سرعت

حرکت و چرخش باعث به وجود آمدن این توالی و پیوستگی می شود. اگر سرعت فرکانس چشم ناظر افزایش یابد، پیوستگی مناظر مقابل چشمان او کاهش یافته تا جایی که این پیوستگی در چشم با سرعت فرکانس بینهایت، بطور کامل از بین رفته و در این صورت دیگر چیزی را مشاهده نمی کند؛ یعنی حرکت الکترونها و فرکانسهای مختلف را بطور ساکن و ایستا می بیند؛ و چون الکترونها و ذرات بنیادی، شکل گرفته از حرکت و پیوستگی هستند به تدریج با بالا رفتن فرکانس چشم و نزدیک شدن به بینهایت، منظره عالم هستی از مقابل دیدگان چنین ناظری محو می شود.

در نتیجه، از نقطه نظر فرکانس چشم ناظر، بازهم جهان هستی بینهایت نوع منظره دارد که بسته به میزان این فرکانس، به گونه های مختلفی خودنمایی می کند و دارای منظره ثابتی نبوده و مجازی است؛ بنابراین:

جهان هستی مادی فاقد شکل و منظره ثابت است و هر ناظری آن را با توجه به سرعت حرکتش در فضا و فرکانس چشمش مشاهده می کند. هرچشمی به گونه ای طراحی شده که جهان هستی را به شکل خاصی برای صاحب آن متجلی سازد و تصویر مجازی ناشی از حرکت ذرات را به ناظر گزارش دهد.

منظره جهان هستی با توجه به آستانه درک فیزیکی ناظر

هر ناظری بسته به آستانه درک فیزیکی خود، جهان هستی را به گونه ای می بیند. برای مثال، یک مار آنچه را که رؤیت می کند، بطور کامل با انسان تفاوت دارد، زیرا آستانه درک او با انسان متفاوت است؛ برای مثال مار می تواند اشعه مادون قرمز را ببیند، بنابراین در شب دید کامل داشته و برای او تاریکی معنایی ندارد. در نتیجه، روز و شب نیز برای او فرقی نمی کند. همچنین می تواند حرارت بدن موجودات و اشیاء را ببیند. پس آنچه

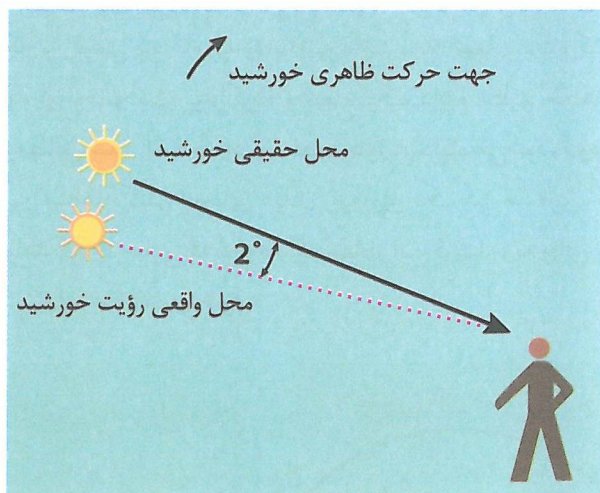
راکه از جهان هستی می بیند، با آنچه که انسان می شناسد متفاوت است. حال اگر قرار باشد یک مارهم گزارش خود را از جهان هستی ارائه دهد و آن را توصیف کند؛ در مقایسه با گزارش انسان، بطور قطع با یکدیگر دچار اختلاف نظر شدیدی می شدند. توصیفی که یک خفاش از جهان هستی دارد؛ آن را بسیار محدود و مانند یک نقشه سونوگرافی می بیند و مطابق با میزان بُرد امواج صوتی خود، بُرد محدودی را می تواند زیر نظر داشته باشد و مقایسه آن با توصیفی که ما داریم به هیچ وجه قابل قیاس نیست زیرا خفاش می تواند فقط بُرد محدودی را زیرپوشش رادار مافوق صوت خود قرار دهد و شناسایی کند، در نتیجه برای او جهان هستی محدود به یک محدوده مشخصی می شود و اگر ما با او راجع به جهان لایتناهی می توانستیم صحبت کنیم، بطور قطع به ما می خندید و ما را مسخره می کرد که مگر می شود جهان لایتناهی باشد!! این ماجرا به تعداد موجودات از یک میکروارگانیسم تا آخر ادامه دارد. بنابراین از این زاویه نیز جهان هستی بینهایت منظره داشته و هر ناظری به تناسب ابزارهای حسی خود آن را می بیند که هیچ یک از این منظره ها حقیقی نیست؛ در نتیجه همه منظره های جهان هستی مجازی و غیرحقیقی است، زیرا اگر سؤال شود که کدام موجود منظره اصلی جهان هستی را می بیند، چه جوابی به آن می توان داد؟

هر ناظری بسته به آستانه درک فیزیکی خود، تصور و برداشتی از منظره جهان هستی مادی دارد، بنابراین، بینهایت منظره برای عالم وجود دارد.

منظره جهان هستی مادی در رابطه با سرعت نور

شب هنگام، وقتی به آسمان نگاه می کنیم، منظره زیبایی در مقابل دیدگان خود می بینیم. ستارگان زیادی را رؤیت کرده که عظمت آنها، چشمان ما را خیره می کند. آیا آنچه را که مقابل چشمان خود می بینیم، حقیقت دارد و یا مجازی است؟

در جواب باید گفت که آنچه را مشاهده می‌کنیم، تصویری مجازی از گذشته است و هیچ یک از چیزهایی را که می‌بینیم، در همان محل رؤیت قرار ندارند، بلکه متعلق به زمانهای گذشته‌اند، از نزدیک‌ترین ستاره که خورشید است تا ستارگان و کهکشانهایی که متعلق به چند میلیارد سال قبل هستند (شکل ۱۱).



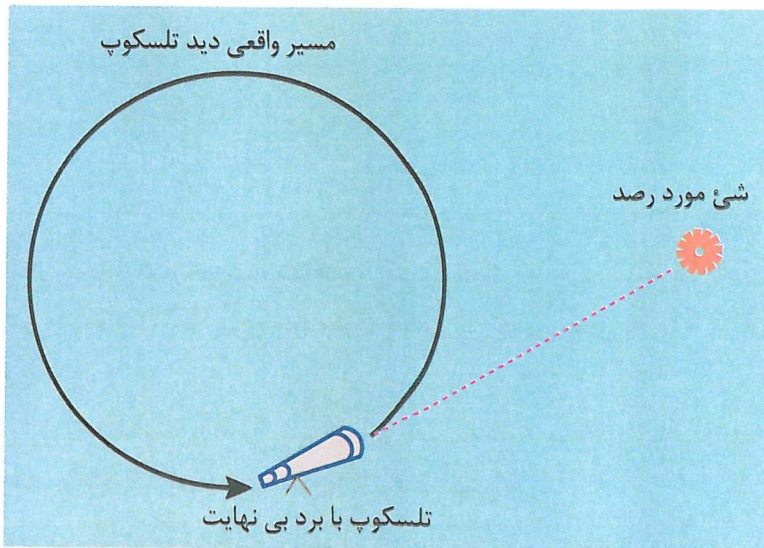
شکل ۱۱

برای مثال آنچه را که از خورشید مشاهده می‌کنیم، متعلق به هشت دقیقه قبل است و اگر یک شیء را در فاصله یک متری خود مشاهده کنیم این تصویر متعلق به $8^{-1} \times 33 \times 0$ ثانیه قبل می‌باشد.

به این ترتیب همه آنچه را که می‌بینیم مجازی است و عامل سرعت نور باعث ایجاد این مجاز شده و آنچه که رؤیت می‌شود در واقع توهمی بیش نیست. در نتیجه نمی‌توانیم به مشاهدات خود استناد داشته باشیم و آنچه را که به عنوان تصویر جهان هستی می‌شناسیم، بطور کامل مجازی است.

منظرهٔ جهان هستی در رابطه با خمش فضا

همانطور که می‌دانیم خط صاف در فضا به صورت خمیده بوده و هر متحرکی در فضا قوسی را طی می‌کند. به عبارت دیگر، فضا کروی و لایه‌لایه است و هر متحرکی بخواهد در آن حرکت آزاد داشته باشد، باید دریکی از این لایه‌ها قرار بگیرد و قوس آن را طی کند و اگر بخواهد مسیر این قوس را تغییر دهد؛ باید صرف انرژی کند. حال اگر ناظری بخواهد با تلسکوپیی که به فرض بُرد نامحدود داشته باشد، به آسمان نگاه کند، اول اینکه حداکثر بُرد دید او محدودیت پیدا کرده و شعاع یک دایرهٔ عظیم خواهد بود و جهان هستی برای او مطابق شکل ۱۲ محدود و محصور در این دایره می‌شود. دوم اینکه، هرچه فاصلهٔ دورتری را مشاهده کند، به جای دیدن روبه‌روی یک شیء سماوی، سمت بغل آن را مشاهده خواهد کرد تا جایی که در حداکثر مقدار این فاصله، به جای روبه‌روی یک شیء سمت پشت آن مشاهده می‌شود.



شکل ۱۲

نتیجه‌گیری نهایی در مورد جهان مجازی

با بررسی‌های بسیار اجمالی که صورت گرفت، به این نتیجه می‌رسیم که از هر زاویه به جهان هستی نگاه کنیم، مجازی است و در واقع بینهایت مجاز در مجاز در دل یکدیگر قرار گرفته‌اند.

جهان تک‌ساختاری (اصل وحدت ساختاری)

همانگونه که اثبات شد، جهان هستی مادی از هوشمندی، شعور و یا آگاهی آفریده شده است و این هوشمندی، بوده که حرکت اولیه را ایجاد کرده و به آن جهت داده است. حرکت اولیه نیز برای خود ایجاد فضا و زمان نموده و به دنبال آن، انرژی ایجاد شده است و انرژی خود دوباره ایجاد تغییراتی در فضا و زمان نموده است.

انرژی به دو بخش کلی انرژی متراکم و غیرمتراکم قابل تقسیم است. شایان ذکر است که انرژی در واقع خود، فرکانس و حرکت است و همانگونه که بحث شد، بدون وجود شعور و هوشمندی، حرکت نمی‌تواند دارای جهت و هدفمندی باشد. بنابراین:

انرژی، در «میدان شعوری» شکل گرفته و بدون وجود چنین میدانی، هیچگونه انرژی‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد، از اینرو، جهان هستی مادی یک بُعد بیشتر ندارد و آنچه را که انسان به عنوان ابعاد مختلف می‌شناسد مانند فضای سه بُعدی و زمان یا بُعد چهارم، همگی در این میدان شعوری است که معنا پیدا می‌کنند و در واقع، شکل گرفته و ایجاد شده در این میدان شعوری هستند.

جهان مجازی در دنیای علم

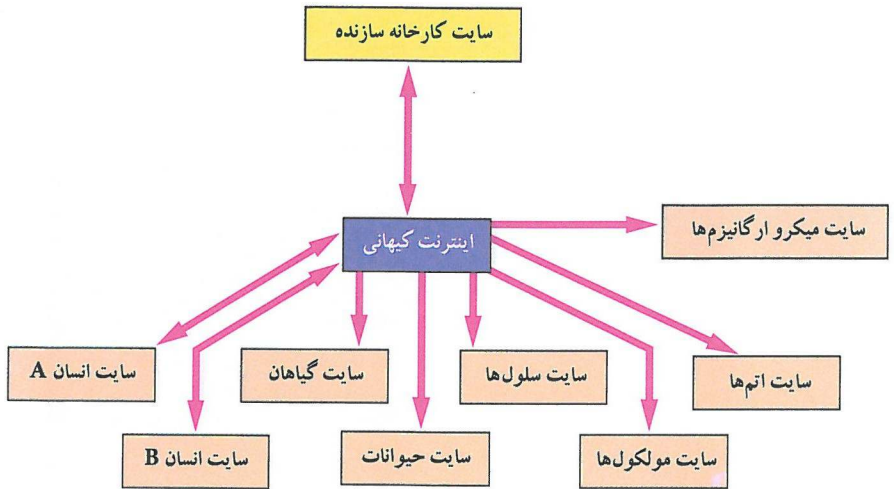
در دنیای علم و در فیزیک جدید، این ناظر است که ساختار جهان هستی را تعیین می‌کند و اینکه آیا انرژی موج باشد و یا ذره؟

دیدگاه قدیمی انسان (دیدگاه فیزیک نیوتونی)، این ذهنیت را به انسان داده بود که چه ناظر وجود داشته باشد و چه نباشد، جهان هستی از واقعیت مسلم و ثابتی برخوردار است و همواره شکل، فرم و ماهیت مستقل خود را حفظ کرده، به راه خود ادامه می‌دهد و این چشمان ناظر نیست که منظره عالم هستی را تعیین می‌کند. اما بر خلاف آن، در فیزیک مدرن، این ناظر است که مشخص می‌کند تا واقعیت به چه صورتی ظاهر شود، همه جهان هستی موج باشد و یا تمامی آن از ذره تشکیل شده باشد.

اینترنت کیهانی

به این ترتیب، بطور نظری ثابت می‌شود که یک هوشمندی عظیم بر کیهان حاکم است که همه ذرات آن تحت کنترل و هدایت این هوشمندی قرار دارند. این هوشمندی درست مانند یک شبکه گسترده اینترنت عمل می‌کند بطوری که آن را «اینترنت کیهانی» نیز می‌توانیم بنامیم.

مطابق شکل ۱۳ کاربر می‌تواند با اتصال به اینترنت کیهانی در جهت دریافت کاتالوگ وجودی خود از سایت کارخانه سازنده اقدام کند تا در جهت خودشناسی از آن بهره‌برداری نماید و یا در این اتصال، امکانات این شبکه را در جهت درمان خود یا دیگران در اختیار بگیرد و شاهد اتفاقات درمانی باورنکردنی باشد. (این مثال برای فهم اهمیت و اثر ارتباط انسان با خالق خود به کار می‌رود و به هیچ وجه، منظور از آن، تشبیه خداوند به یک کارخانه نیست.)



شکل ۱۳

لازم به ذکر است درمان و بهبودی، شامل کلیه برنامه‌های عیب‌یابی، بهبود و ترمیم سلول، عضو مربوطه و... است که در اینترنت کیهانی وجود دارد و همانگونه که ذکر شد، از آنجا که برنامه نرم‌افزاری همه اجزای هستی در این اینترنت با عظمت کیهانی موجود است، آن را **شبکه شعور کیهانی** می‌نامیم. بنابراین، برای اینترنت کیهانی فرقی ندارد که سلول متعلق به انسان، حیوان، گیاه و یا میکروارگانیسم‌ها باشد و همچنین از طریق آن، حتی تأثیر بر روی مولکولها نیز امکانپذیر است.

تجربه کار با **شبکه شعور کیهانی** نشان می‌دهد که کیهان موجودی یکپارچه، زنده و هدفمند است.

تئوری ارتباط عام ذرات

از طریق «شبکه شعور کیهانی» به همه ذرات عالم هستی بدون صرف زمان و بُعد مکان، امکان ارتباط و اثرگذاری وجود دارد. این اثرگذاری بسته به ماهیت و خاصیت بنیادی (شخصیت بنیادی)* آن ذره دارد. به عبارت دیگر از طریق «شبکه شعور کیهانی» یا «اینترنت کیهانی»، به هر ذره‌ای به عنوان یک سایت اینترنتی می‌توان داخل شد و در آن تأثیر مشخص و تعریف شده‌ای را ایجاد نمود.

با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

* تعریف شخصیت و رفتار:

- نحوه تظاهر، حضور و رفتار در اکوسیستم را **شخصیت** می‌نامیم، به عبارتی دیگر، «شخصیت» برنامه نرم‌افزاری است که هر جزئی از اجزای عالم هستی مطابق آن، در صحنه اکوسیستم تجلی می‌یابد.
- نحوه عملی ظاهر شدن، تجلی پیدا کردن و نوع مشارکت بالفعل در اکوسیستم را برای هر عضوی، **رفتار** آن عضو می‌نامیم. در نتیجه، شخصیت در برگیرنده کلیه فاکتورها و برنامه‌های رفتاری است و نشان‌دهنده همه خصیصه‌های یک عضو در اکوسیستم می‌باشد.

توضیحات تکمیلی

بر طبق نظریه ارتباط عام ذرات، انسان می‌تواند به شبکه شعورکیهانی متصل شده و از طریق آن به سایتهای مختلف دسترسی داشته باشد؛ همچنین می‌تواند به سایت اطلاعات ذرات وارد شده و در آنها دخالت‌های هدفمند و تعریف شده‌ای ایجاد کند.

همانطور که در مورد سایت اطلاعات سلول شاهد بودیم، دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده سلول* توانست ما را در شناخت و درمان بسیاری از بیماریها کمک کند؛ لذا می‌توان انتظار داشت در آینده به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده ذرات دسترسی داشته باشیم و بتوانیم تأثیرات هدفمند نرم‌افزاری در آنها ایجاد کنیم.

از طرف دیگر، بر طبق همین نظریه این اثرگذاری به ماهیت و خاصیت بنیادی یا شخصیت بنیادی ذره وابسته است. برای توضیح این مطلب لازم است یادوری کنیم که یکی از تسهیلات هوشمندی، امکان برقراری میدانهای شعوری مختلف می‌باشد.

ما می‌دانیم که یک ذره در اکوسیستم، تحت تأثیر میدانهای مختلفی قرار دارد، مانند: میدان گرانشی، میدان الکترومغناطیسی، میدان هسته‌ای ضعیف و میدان هسته‌ای قوی. این را هم می‌دانیم که رفتار هر ذره در هر یک از این میدانها، رفتاری بخصوص و مشخص است یعنی اجزاء در هر میدان، رفتار بخصوصی را نسبت به آن میدان نشان می‌دهند (برای دنیای علم کاملاً مشخص است). اما در میدان شعوری رفتار هر ذره‌ای تابع قوانین و قواعد دیگری می‌شود و از قواعد قبلی پیروی نمی‌کند و ذره تابع شعور مافوق خودش می‌شود؛ بنابراین با میدان شعوری است که تغییرات چیدمانی نرم‌افزاری قابل ایجاد و قابل نتیجه‌گیری می‌شود.

سه تجربه شکل‌پذیری، تجزیه‌پذیری و ترکیب‌پذیری که می‌تواند منجر به ترمیم شود، از جمله تغییراتی است که ذرات تحت میدان شعوری از خود نشان می‌دهند. همچنان که می‌دانیم مواد، مجموعه‌های سازمانی هستند که اجزای آنها را ذرات، اتمها و مولکولها تشکیل می‌دهند و دارای شخصیت مشخص و معینی هستند.

* برای مطالعه بیشتر به کتاب فرادمانی، از همین مؤلف مراجعه شود.

شخصیت برنامه نرم افزاری است که هر جزئی از اجزای عالم هستی مطابق آن، در صحنه اکوسیستم تجلی می یابد. شخصیت در برگیرنده کلیه فاکتورها و برنامه های رفتاری است و نشان دهنده همه خصیصه های یک عضو در اکوسیستم می باشد. یعنی چنانچه ذرات و مواد (سازمانهای مولکولی) تحت اتصال با شبکه شعورکیهانی قرار گیرند، تغییر رفتار آنها (در قالب شکل پذیری، تجزیه پذیری، ترکیب پذیری و ترمیم) به شخصیت بنیادی آنها وابسته است.

جهت درک بهتر این موضوع، فرض کنیم ماده ای مانند سیمان را در اتصال با شبکه شعورکیهانی قرار دهیم.*

سیمان و ملات آن یک سازمان محسوب می شود که خود دارای شخصیت مشخص و معینی است؛ شخصیت سیمان ایجاب می کند تا آنچه را که از خود نشان می دهد، سخت شوندگی باشد. در اصل شخصیت سیمان با سخت شوندگی آن مترادف است و تحت میدان شعوری رفتار بهتری را در جهت بروز شخصیت بنیادی خود که همان سخت شوندگی است نشان می دهد.

امروزه، تکنولوژی و علوم مهندسی وابسته به رفتار و خصوصیات ذرات و مواد می باشد. همچنین بهره گیری بهتر از خصوصیات مواد، همواره مورد علاقه محققان و صاحبان صنایع بوده است.

آنچه که راندمان عمل مواد را بهبود بخشد، می تواند راندمان محصولاتی که از خصوصیات بنیادی آن ماده بهره می گیرند را نیز بهبود بخشد. تمام ساختارها اعم از ذرات، مولکولها، کاتالیزورها، نانو مواد و محصولاتی که از خصوصیات بنیادی آنها بهره می برند، کامپوزیتها به عنوان یک واحد سازمانی، شخصیت مشخصی دارند؛ بعد از قرارگیری در میدان شعوری، رفتار بهتری را در جهت بروز شخصیت بنیادی خود نشان خواهند داد. علاوه بر کاربردهای صنعتی و تکنولوژیکی این مسأله، بررسی چگونگی

* ویژه نامه مهندسی نرم افزاری مولکول (شماره ۱)، که به بررسی اثرگذاری بر رفتار سیمان و ملات آن از طریق شبکه شعورکیهانی پرداخته است.

ارتقاء رفتار ذرات و مواد در اتصال با شبکه شعور کیهانی می‌تواند سرآغاز تحقیقات گسترده‌ای باشد.

می‌توان گفت اثرگذاری از طریق شبکه شعور کیهانی و فاکتور **میدان شعوری**، بخشی از تکنولوژی آینده انسان می‌باشد که بدون تجهیزات پیچیده و شرایط خاص، بدون آلودگی و تخریب محیط زیست می‌تواند راندمان بسیاری از مواد و محصولات را بهبود بخشد.

برای استفاده از این فرایند لازم است تا انسان، تواناییهای خود را بهتر بشناسد و بیاموزد که می‌توانسته به گنجینه اسرار هستی دسترسی داشته باشد و برای رسیدن به جواب سوالات و ندانسته‌های خود از آن بهره بگیرد.

انسان می‌تواند **کاتالوگ وجودی** خود را از گنجینه اطلاعات هستی دریافت کرده و با آن آشنا شود. این کاتالوگ مانند نقشه شهری است که "کوچه پس‌کوچه‌های" آن، سراسر وجود ما را شامل می‌شود و شناخت آن می‌تواند تعریف جدیدی از انسان و توانیهای او ارائه دهد.

انسان عصر هوشمندی، بیش از هر زمان دیگری به شناخت نرم افزارهای وجودی خود خواهد رسید و از آنها در جهت پیدا کردن جایگاه خود و کشف اسرار هستی بهره خواهد برد؛ و در پایان امیدواریم که با ادامه این راه، اشراف کاملتری نسبت به «**شهر وجودی**» پیدا کرده و بتوانیم حاصل این شناخت را در زندگی بهتر به آیندگان تقدیم کنیم.

تو ز چشم خویش پنهانی، اگر پیدا شوی در میان جان تو، گنجی نهان آید پدید

عطار

in a more commanding Position to the existence city. And so we can offer to the futures better living as the outcome of this knowledge.

You're hidden from your eyes, if you're found out
A hidden treasure will be revealed in your life

By Attar

as organizational units have definite characteristic, will show better behavior in direction of presenting their own fundamental characteristic under the Consciousness Fields. In addition to industrial and technological usages of the subject, study of the way of improvement of the particles and matters behavior in connection to the interuniversal consciousness can be beginning of other wide studies.

It can be said that impacting through the Interuniversal Consciousness and the Consciousness field will be part of future human technology which can improve efficiency of many matters and products without needing complex equipments and specific conditions and causing no environment pollution.

In order to utilize the process, man needs to know his capabilities better and learn that he could have accessed to the secrets treasury of the universe and have used it to answer his questions and the unknowns, have received his existence catalogue from the secrets treasury of the Universe and have got familiar to it. This catalogue is like the map of our existence city, the streets and allies of which are similar to our existence different dimensions, and knowing it can present a new definition of man and his capabilities.

Man of the Consciousness era will gain knowledge of the software programs of his existence more than ever and utilize them in direction of finding his own position in the universe and discovering the universe secrets, and at the end, we hope with continuation along the way we can be

programs and presents all properties of a member of ecosystem.

That is, if particles and matters, as molecular organizations, are Connected to the Interuniversal Consciousness, their change of behavior such as formation, analysis, combination, and repair will be dependent on their fundamental characteristics. In order to understand the subject better we can consider a matter like cement is connected to the Interuniversal Consciousness.

Cement or cement mortar is considered as an organization having a specific and definite characteristic. Characteristic of cement requires it to present hardening. Indeed, cement characteristic is its hardening and under consciousness field cement shows better behavior in direction of presenting its fundamental characteristic, i.e. hardening. *

As we know technology and engineering sciences are dependent on the behavior and properties of particles and matters. And better usage of the matters properties has been always of the researchers' and industrial people's interest.

What improves efficiency of the matters can also improve efficiency of the products enjoying fundamental characteristics of those matters. All structures including particles, molecules, catalysts, nano-matters and products enjoying fundamental characteristics of them, composites

* Software Engineering of Molecule supplement #1, it studies impact on the behavior of cement and cement mortar through the interuniversal consciousness network.

On the other hand, based on the same theory the influence is dependent on the fundamental nature and property, i.e. fundamental characteristics, of the particle.

In order to elaborate on the subject, we should point out that one of the facilities of the connection to the Interuniversal Consciousness is creating different Consciousness Fields.

We know that a particle in ecosystem is under different fields such as gravitational, electromagnetic, weak nucleus and strong nucleus. We also know that behavior of each particle in any of the mentioned fields is specific. That is, particles show specific behaviors in any of the particular fields, which are known to the scientific world. While in the Consciousness Fields each particle behavior is subject to some other rules and regulations. Indeed, it doesn't comply with the already known rules but with its superior Consciousness.

Therefore, it's under the Consciousness Field that software arrangement changes can be done and the results of which can be gained.

The three experiments of formation, analysis, and combination which can result into repair are some of the changes that particles show under the Consciousness Fields. As we know any matter is an organizational complex composed of particles, molecules, ..., each having specific and definite characteristic.

Characteristic is the software program based on which any part of the Universe is manifested in ecosystem. Characteristic is inclusive of all factors and behavioral

Supplementary Explanations

According to the “General Connection of particles Theory”, man can be connected to the Interuniversal Consciousness and through which gets access to different websites. He/she can also access to the information of the website of each particle and has definite influences over them.

As observed regarding the website of the cells information, access to the categorized information of the cells* could help us recognize and cure many illnesses.

Thus we can expect to gain access to the categorized information of particles in future and exercise software purposeful influences on them.

* Faradarmani, by Mohammad Ali Taheri

General Connection of Particles Theory

Through the 'Interuniversal Consciousness' there is possibility of connection to and influence on all particles of the universe without passing time and space.

This influence is dependent on the nature and fundamental property, i.e. the fundamental characteristic* of that particle. In other words, through the 'Interuniversal Consciousness' or the 'Interuniversal Internet', one can access to each particle as an Internet site, and create the specified and defined influence.

* Characteristic and Behavior

• The way of manifestation, presence, and behavior in ecosystem is "characteristic". In other words, "characteristic" is the software program according to which each element of the universe is manifested in the ecosystem scene.

• Each element's practical way of manifestation, presence, and active cooperation in ecosystem is called "behavior".

Thus 'characteristic' encompasses all factors and behavioral software programs and shows all properties of an ecosystem member in the ecosystem.

It should be noted that treatment and recovery are including all troubleshooting programs, improving and repairing cells, organs, etc, which there are in the 'Interuniversal Internet'. And as already mentioned, since the software programs of all the existence components are available on this Internet to the universe grandeur, we call it the 'Interuniversal Consciousness'. Thus for the 'Interuniversal Internet' there is no differences whether the cells belong to humans, animals, plants, or micro-organisms. Through the Internet, even impact on the molecules is also possible.

The experience of working with 'Interuniversal Consciousness' shows that the universe is a fabric, alive, and targeted entity.

Interuniversal Internet

Thus theoretically it is proved that a great consciousness is governing the universe which all its particles are under the control and guidance of this consciousness. This consciousness acts exactly like a widespread internet network, so we call it the 'Interuniversal Internet'.

According to Figure 13, users can connect to the 'Interuniversal Internet' in order to receive their existential catalog from the manufacture's site to exploit it for their self analysis. Or through the connection, users can use the Internet facilities for treatment of themselves or others and witness unbelievable cures.

(This example is used for understanding the importance and effect of man relationship with his creator, and its purpose is not to liken God to a factory whatsoever).

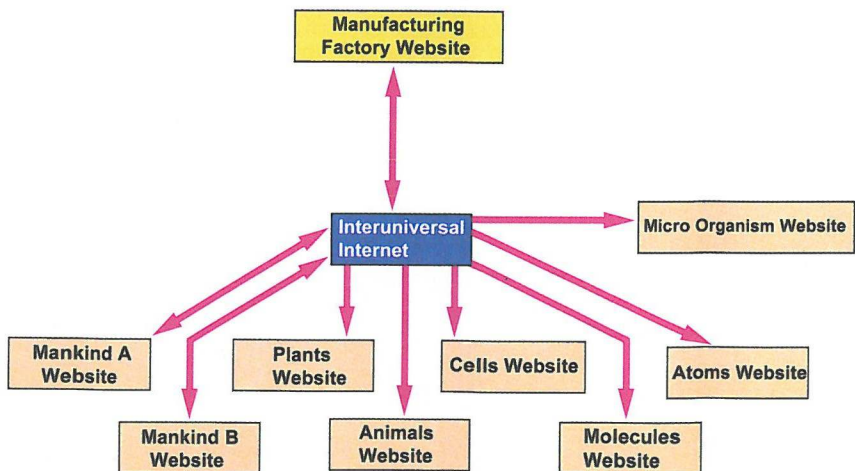


Figure 13

Man's old perceptive, i.e. the attitude of classic Newtonian Physics, had settled this mentality that whether the observer is present or not, the world of existence has an absolute reality, sustains its own independent form, shape, and nature and continues to exist. And it is not the eyes of the observer, which determine the scenery of the world. On the contrary, in modern physics it is the observer who determines how and in which form a reality appears, that whether all of the universe appears as wave or as a composition of particles.

Energy is formed under "Consciousness Field" and without presence of such a field no form of energy can exist. Therefore, the material universe has only one dimension and what man knows as different dimensions such as tri-dimensional space and forth dimension, i.e. time, all make sense only in the Consciousness Field. And as a matter of fact they are all created under this field.

Final conclusion about the “virtual” world

Referring to all above brief discussion, we conclude that from any angle we see the universe, it is virtual and in fact each virtual reality is embedded by infinite number of other virtual realities.

Mono-form Universe (Principle of the Formational Unity)

As it has already been proved, the material world has been created from consciousness or awareness. This consciousness has created the primary motion and given direction to it. The primary motion has created space and time for itself and so energy has been created. Energy in turn has caused changes in space and time.

Energy can be generally categorized to “compressed and decompressed”. It is worth to mention that energy itself is frequency and motion. And as it has been already discussed without presence of intelligence and consciousness no motion can possess direction and purpose.

Virtual Universe and the world of science

Currently in the world of science and in Modern Physics, i.e. Quantum physics, it's the 'observer' who determines the structure of the universe and that if it's energy of wave or particle.

The scenery of the world in view of the space curvature

As we know the straight line in space and each moving object is travelling through an orbit in space. In other words, space is spherical and layered. Each mobile object that wants to have free movements in space must be located in one of these layers and travel along this orbit. But if it intends to change the curvature direction, it has to use energy.

Now if an observer were to look in to the sky through a telescope with infinite power, what would happen?

First, the maximum visible distance would be limited to the radius of a giant circle and the world would look like (figure 12) confined to this circle. Secondly, as he would see the side of the object, up to the point at the maximum viewable distance, instead of seeing the front of the object, he would see its back.

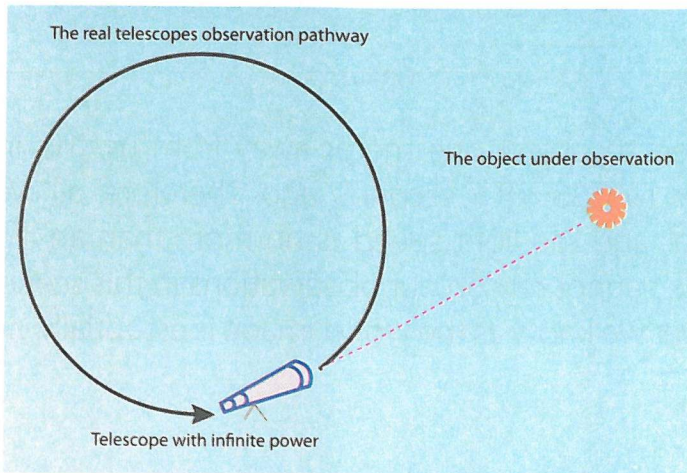


figure 12

in the position that we see them now; this implies to the nearest star which is the sun, to all other stars and galaxies belonging to several billion years ago (figure 11).

For example, what we observe as the sun is actually from 8 minutes ago.

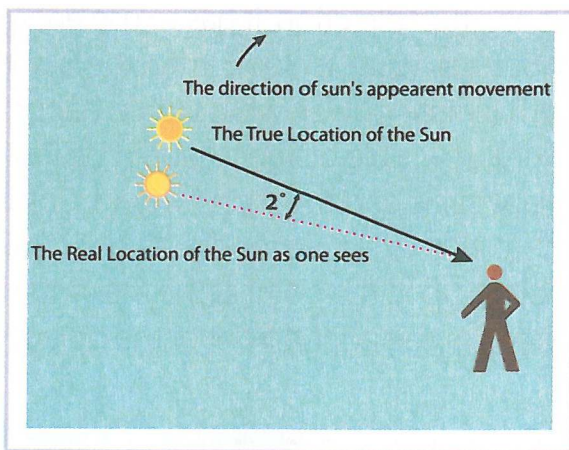


Figure 11

If we see an object one meter away from us, this image belongs to 0.33×8^{-10} seconds ago. Therefore, all we see is virtual, and the light speed is no more than an illusion. Thus we cannot rely on our observations in this scene, and whatever we know as the world image is essentially virtual.

certainly laugh at us and find it ridiculous: "how it could be possible for the world to be infinite!"

In summary, the diversity of the perceived views of the world is proportional to the number of the living things (from microorganisms to all the creatures in the whole universe). Therefore, also from this angle the world has indefinite outlooks, and each observer depending on his sensory receptors sees it differently, which of course none of these are true.

Accordingly, all the sceneries of the universe are virtual and none of them is true, given that if we ask "which creature -sees the main scenery of the world?" What is the answer?

Each creature depending on his threshold of physical perception has a certain idea about "how the material world looks like"; therefore, there are infinite appearances for the world.

The scenery of the physical world in view of the light speed

When we look in the sky at night, we see a beautiful view in front of us. We see so many stars that they overwhelm us with their magnificence.

-Is the scenery before our eyes true or is it visual?

The answer is what we observe at the moment, is the virtual image of something that used to exist in this position in the past. None of the stars that we observe are actually located

The scenery of the world in view of the observer's physical perception threshold

Each observer depending on his physical perception threshold sees the world in a different way. For instance, what snakes can see is completely different from that humans can see because the perception threshold of snake is different from that of human. For example, snakes can see Infra Red light; therefore, they have very acute eyesight during the nights and darkness is almost meaningless to them and day or night does not make a real difference. They are also capable of seeing the temperature of the objects and living creatures; therefore, what they see as the world is different from what we are familiar to and we know of. Now let us imagine snakes were to express their view about the world and describe what they perceive. It would be definitely very different in comparison to our view and we would strongly disagree with each other.

A bat views the world as a confined Sonogram map.* It can only see up to a limited distance proportional to the scope of his vocal sound waves.

It is obvious that the bat's visual image of the world is not comparable at all with the scenery that humans perceive. Bat's ultra sound radar system can cover a limited territory. If we could talk to a bat about the boundless world, it would

* Bats view the world based on an Echolocation system. By emitting sound waves and listening to the echoes that return to them, they can form an echolocation figure in their brain, equivalent to the figure which is formed in our brain from visual stimuli.

eyes increases, the continuity of the scenery before his eyes diminishes to such an extent that if the eyes had an infinite frequency, the continuity would completely disappear.

In such circumstances the observer would actually see nothing. That is, he/she perceives the electron movements and different frequencies as static and still. Since electrons and fundamental particles are formed by movement and continuity, the scenery of the world would disappear from the observer's sight as the frequency of the eyes gradually increases toward infinity.

So in view of the observer's eye frequency, the world has again countless view and depending on the magnitude of this frequency, it can appear in a particular way, and does not possess a certain outlook and is essentially virtual.

The material universe does not have one steady or main appearance. Its outlook depends on the speed of the observer and as the observer can have countless different velocities, potentially there are infinite possible appearances of the material world for each observer.

concentration in every second whereas human is not able to do so. This eagle would see the rain as drop by drop while we observe it falling as linear. Another example is the snail with eye frequency of 5; whatever a snail actually sees at such a frequency would be very strange and bizarre. For instance, when we are moving, the snail sees a trail of several meters long behind us (Figure 10). Only when we completely stop, the snail sees us in the shape we are. If a snail sees a flying mosquito, it will see the mosquito with a trail of several meter long.



Figure 10

Now if human eye frequency were infinite, what would happen?

Whatever appears before an observer's sight is the result of continuity of the frames. And speed of the movement and rotation makes the continuity. If frequency of the observer's

The world visual image based on the observer's eye frequency

Each observer looks at the world with his own eyes. The eyes of each observer have a particular frequency which indicates the number of frames per second that they are capable of receiving and interpreting. Regarding human, the eye appears to be most sensitive to frequency of 24, i.e. when 24 frames pass before our eyes in one second we see them as continuous. If the frequency of the frames is less than 24, the scenery before us seems interrupted and non-continuous (the basis of invention of cinema) and by increasing the frequency of the frames, the scenery seems to move abnormally fast. Eventually at the higher speeds, frames would become unrecognizable.

Therefore, if human sees the world in this form and appearance, it is because of the frequency of his eyes and if this frequency were a different number, the scenery of the world would appear to him differently. For example, if an object such as a ruler rotates at the speed of 50 times/cycle per second, what human sees is a 'circle'. However, if the eye frequency of an observer were the same as the ruler speed, i.e. 50, he would perceive the movement of the ruler as steady, so he would not see the circle at all. All he would see is the relocation of the tips of the ruler 50 times per second. The scenery which an eagle sees with an eye frequency of 20,000 is totally different from what a human sees. An eagle can chase the movement of a mosquito with full

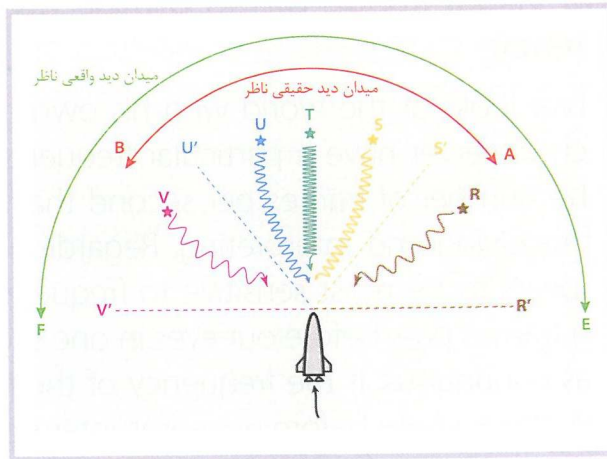


Figure 9

We can conclude that the universe has an infinite number of appearances, and each observer sees it in a certain way depending on their velocity in the space. So it is possible that other realities exist that we cannot even imagine or dream of. Does the universe possess a main distinctive appearance then? Considering all the above discussion:

The material universe does not possess a definite view and appearance, and each observer perceives it according to his velocity in space and his eye's frequency.

Every eye is designed in a way to reflect the world as a particular figure to his owner, so it merely conveys a virtual figure resulted from spinning of the (atomic) particles to the observer.

practically observes in front of him with respect to the observed object, and the True visual field angle is the angle that the actual location of the object forms relative to the observer. Now as the observer moves faster, the visual field angle AB and EF decreases in such a way that at the speed of light nothing is observable backwards and the compressed wave with infinite frequency appears forward in front of the observer. In summary, the wavelength of energy (light) in very high velocities gets so condensed that it creates a compressed wave in front of the observer thus forming a barrier which is essentially Matter, in front of him.

In this particular condition, the world will become very solid or dense and regardless of which direction he intends to move, a condensed wall will block his way. Therefore the world can be considered as both finite and infinite.

As soon as the observer hits this barrier and ceases to move, the frequency in front of him will subside, and it will transform from the condensed form of Matter into a non-condensed form of wave and once again as the observer speeds up everything repeats. Consequently:

The human's velocity in the space cannot go further a certain limit.

It is impossible to travel continuously in space at velocities of this magnitude (Figure 9)

the side sceneries reaches the point we are, we have already passed that point. Therefore, the light would never get a chance to reach our eyes thus our surrounding could have never been observed.

Moreover, if the frequency of the tiny opening would reach infinity, it is not clear what could be observed through such a hole and how the world would look like through our eyes (regardless that when wave is condensed enough, matter will be formed, and transformation of the condensed wave to matter at a velocity high enough will create a barrier in front of us which is impossible to pass through).*

Therefore, an observer who travels at the speed of light sees the world just as a hole with an infinite frequency. At the time this would be the reality of his world. If such an observer had not already seen the reality of our present world, he definitely couldnot have perceived or even imagined how the world looks like as we are able to see - in fact he would not have been able to conceive any other reality except for the world of hole.

As you can see in figure 9, when the observer looks at his right hand side and observes the star R'- in fact star R' is situated in R position. Therefore, the observer faces two different visual fields, one is the real visual field (FE), and the other is the true visual field (AB).

The real visual field angle is the angle that the observer

* 'O' ye assembly of Jinns and men! If it be ye can pass beyond the zones of the heavens and the earth, pass ye! Not without authority shall ye be able to pass!' [AlRahman: 33]

Again we consider the hypothetical observer and what he observes before his eyes: It is apparent that as the observer speeds up, the view in front of him changes. Therefore, in a given velocity the world is perceived as a certain visual image by the observer, and the world will appear differently to him if he moves at a different velocity.

At the moment, we see the world's panorama the way it is because we are moving through space with an almost constant velocity, given that the earth is part of the solar system and is revolving with an almost constant velocity around itself and around the sun. The solar system in turn is located in one of the arms of the Milky Way galaxy and is also revolving around with a certain velocity. This galaxy itself is rotating in space with a certain velocity around another centre. After all, our perceived view in regard to appearance and different color ranges is based on the ultimate velocity of our movement within space.

At significantly higher velocities, the view that the observer perceives is considerably different from what we see at the moment.

At the moment, we see our surroundings very easily, however, as the velocity of our movement increases, the angle of the scenery in front of us narrows in a way that assuming if we could travel at the speed of light, in theory, as an observer all we could see would be a tiny opening before our eyes and nothing else.

The reason is by the time the light which is emerging from

source, the wavelength becomes more decompressed and longer, the frequency decreases so we hear a lower pitched sound or bass (Doppler Effect).

The same applies to a light source. By getting closer to or farther from the light source, we encounter a change of frequency. Thus the color of the light and its appearance change (Figure 7).

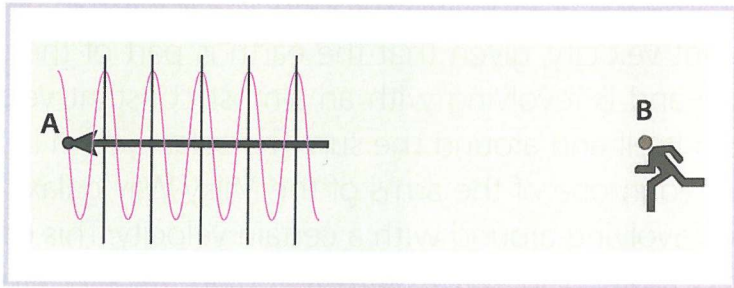


Figure 7

Figure-8 shows that by getting further from a source of sound or light, the wave length increases so the frequency decreases and the sound is heard more bass.

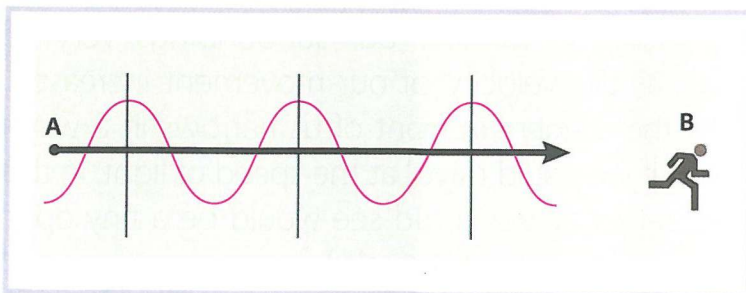


Figure 8

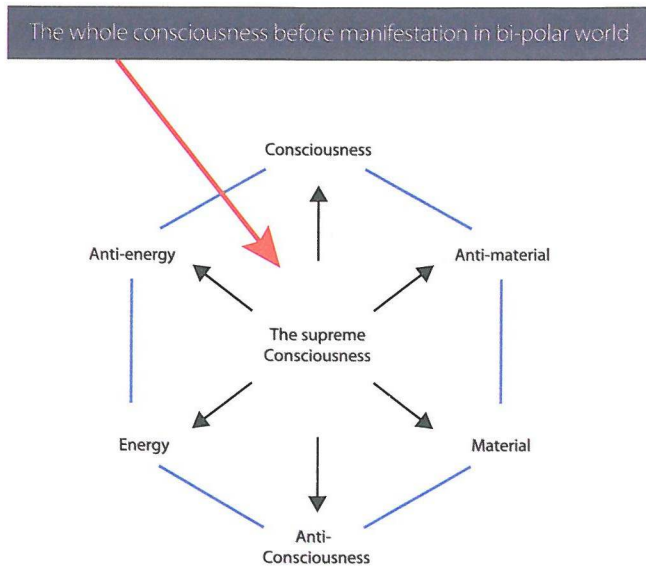


Figure 6

The world visual image based on the observer's velocity

Let's consider an observer who is moving in the space with a certain speed. As we know, when it gets closer to or moves away from a sound or light source, the frequency and wavelength of the sound/light changes. For example, by getting closer to a sound source, the wavelength of the sound gets more compressed and shorter, therefore, the frequency of the sound increases. The perceived sound is at a higher pitch. In contrast, by getting farther from the

are formed. Thus in any moment there are three elements in the universe, which can be shown as the following figure.

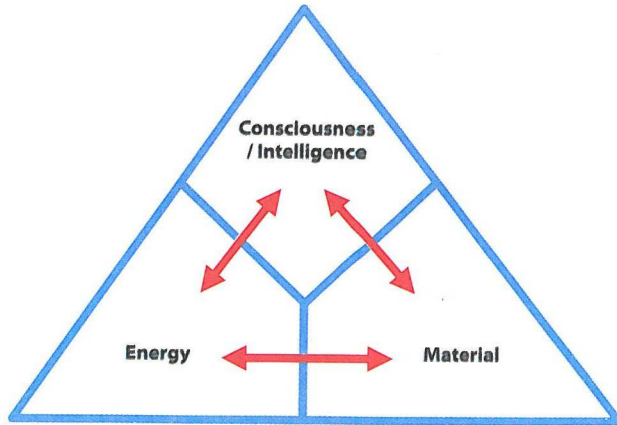


Figure 5

As figure 5 illustrates, each of the above elements is convertible to one another. The conversion of Consciousness into Matter and Energy has been briefly discussed, however, the conversation of Matter and energy into Consciousness is a complex and all-inclusive subject which we intend to discuss separately.

If we are going to examine the universe elements more closely, we will come up with the schematic figure 6. It illustrates all the elements of the material universe which exist simultaneously in a given time.

virtual and lacks Truth of Existence.

Following the subject that the material universe has been created by motion, we raise another question:

- Which prime factor has given direction to the infinite motions in the universe in such a manner that in the midst of all of these innumerable motions a completely harmonized and purposeful system has been manifested?

The answer is the only cause which is able to direct the infinite existing motions so purposefully is an intelligent and conscious cause which is capable of deciding each motion in which exact direction and in which exact manner must take place in order to finally create such a purposeful, harmonious, and self-evidential system.

Hence, Matter and Energy - in other words, structure of the universe, is made of intelligence, awareness, or consciousness.

The material universe has been created by consciousness or intelligence"

For instance, without awareness human being is not capable of exploiting Matter and Energy. It means if Matter and Energy are available to human without awareness and information, he won't be able to use them purposefully. Therefore, the main structure of the material universe is the Consciousness or Intelligence by which Matter and Energy

Having Influence over the behavior of particles, matters, _____ 19
and ... through the Interuniversal Consciousness
than before will be left.

In this manner, if we continue to penetrate the particles inside the nucleus and stop them from moving in different levels, we will see the volumes created by these particles disappear one after the other without a trail. In summary, a collection of infinite elementary motions has formed the nucleus of an atom, then the atoms have formed molecules, and molecules have formed the material part of the universe. Accordingly, we can say:

The material universe is made of "motion"

We can reach the same conclusion from another perspective:

In modern Physics Matter is defined as condensed wave, and wave in turn is considered as motion. So the whole material universe, be it matter or energy, has been made from wave. As already mentioned, wave itself is caused by "motion".

Having had this brief and simple explanation, we can reply the question "Whether does the universe have Truth of Existence or not?"

The answer is while the material universe has been created from motion, all its different manifestations also result from motion, and as already explained all of the motion manifestations are virtual. Therefore, the material universe is

Surely the answer is 'yes' since the sphere has occurred and is real.

- However, does it also have Truth of Existence?

As soon as the electrons stop moving, this volume which has been resulted from movement of the electrons disappears before our eyes in a second, and only the nucleus of the same size as a football remains. Therefore, we conclude that this volume does not exist in the outer world. But it is the result of motion and is thus virtual.

Now we study the nucleus of an atom in the same way: as we know the nucleus of an atom consists of Protons and Neutrons.

As you see in Figure 4, Proton spins around its axis. Neutron also spins so rapidly around Proton in the opposite direction of the Proton spin. Consequently, the spin of Neutron around Proton produces a disc that is a virtual volume.

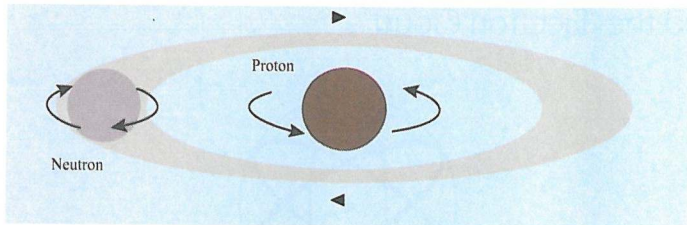


Figure 4

Now if Protons and Neutrons stop spinning, this volume will also disappear and from the whole atom just the elementary particles whose volume is considerably less

As we know the universe has been made of Matter and Energy.

First we consider the material part which includes the cosmic bodies and study their structure. These bodies are made from molecules and molecules consist of atoms. Atoms in turn are made from elementary particles as well as their anti-particles. This manner of succession continues until negative infinity inside the atom core.

Now we study an atom as the building block for the structure of the creation. To examine more precisely, we suppose an atom to be the same size as a football field, so the atom's nucleus in comparison to the size of the atom would be as the size of a ball (Figure 3). If we observe this atom from a farther distance, it looks like a giant sphere. Now we raise a question:

-What causes the form and volume of this giant sphere?

This volume results from movement of the electrons, which is called the "Electron Cloud".

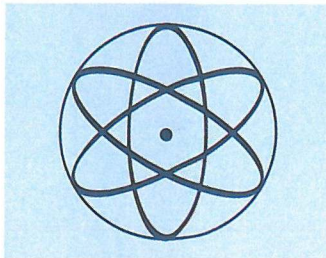


Figure 3

- Does this huge sphere have Reality of Existence?

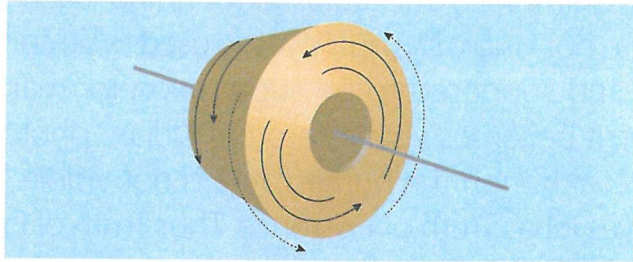


Figure 2

-Now if it's asked: Does the cylinder have reality?

The answer is 'yes', it has reality since it has occurred and come into existence.

-And if it's asked: Does the cylinder also have truth?

The answer is 'no' because such a cylinder doesn't have external existence and as soon as the blade stops moving, the cylinder disappears.

Therefore, this cylinder is a virtual volume out of the blade motion. Thus the cylinder has reality while it lacks Truth of Existence

Following this observation and its discussion, we raise some other questions:

-Does the world around us have Reality of Existence?

Surely the answer is 'yes' because we exist and we can also observe the universe.

-Does the world around us have also Truth of Existence?

To answer this question, we examine structure of the universe very briefly within the scope which so far has been possible to understand and investigate.

Another example is the aura surrounding each human, which was not visible by usual eyes so used to be considered not real and supposed to be superstition for many years. However, it becomes visible through Kirlian photography. Therefore, although the human aura is not visible through naked eyes it has Truth of Existence. Thus Truth of Existence studies the how and quality of existence of any subject or phenomenon.

Virtual World

Let us suppose a blade that can spin around its middle axis as shown in figure 1(A). Does the blade have Reality of Existence in still position?

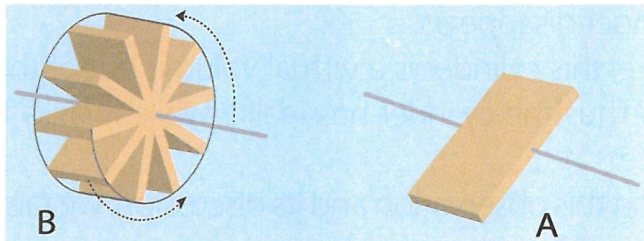


Figure1

The answer is 'yes', because this blade has occurred and is real. Now if we make the blade spin rapidly around its middle axis (Figure 1– B), what we see is a cylinder. The diameter of the cylinder base is the blade width and the cylinder height is the blade length (figure 2).

Plan of Existence and the hidden aspects of the Reality of Existence

Any reality must have happened following a plan and design. Examining the hidden aspects of any reality, one can find out plan and design of the existence of that reality and thus study it. For instance, why and for what purpose has human being come to existence? What are the whys of creation of the universe?

Quality of Existence of any phenomenon

'Truth of Existence' examines if something truly exists without regard to that we are sure about its reality or it has no reality to us. Truth of Existence also study a given reality very closely in relation to a criterion to examine its how and quality to see if the reality truly exists in outside world or it is virtual.

For instance, reflection/image of an object in a mirror has Reality of Existence because it has occurred in the mirror while it doesn't have Truth of Existence since the image is virtual with respect to the object.

Therefore, it is possible for an entity in the universe to have reality but not having Truth of Existence. And vice versa, an entity might not have reality for us, but it can have Truth of Existence, e.g. Infra Red light that cannot be seen through our eyes and thus is not real for us. However, since it can be detectable via some equipment, it has Truth of Existence with respect to our eyes.

1-Reality of Existence

Reality of Existence of anything indicates that it has come to existence, has taken place, has happened whether we know the cause, quality, and how of its occurrence or not. This side of existence is either observable or affects the environment or is recordable and measurable or may display some of the characteristics together.

For example, existence of a piece of stone is real. It has occurred and come into existence whether we know how it has been created or not.

It is also possible that some things cannot be seen or felt while they have reality. For example, although we cannot see or touch infra red light, it has reality since we are able to measure it by some apparatus and even exploit it in practice.

2-Truth of Existence

Truth of Existence examines different aspects of Reality of Existence including:

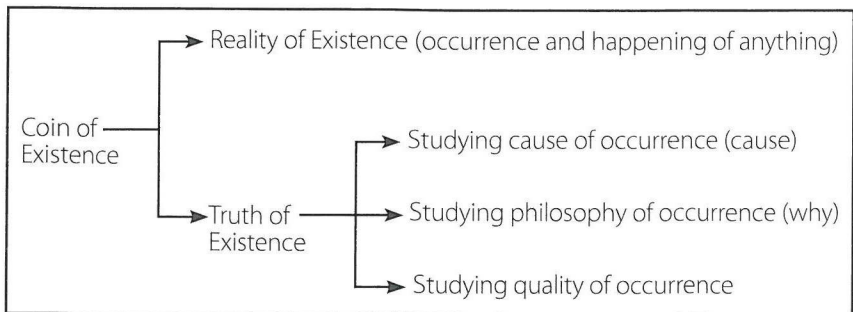
Why of Existence and How of its occurrence

-For instance, what is cause of creation of a piece of stone?
Or why has the universe come to existence? / What factors have caused the universe to be created?

Having Influence over the behavior of particles, matters, and ... through the Interuniversal Consciousness

To study having influence on the cement mortar strength through the 'Interuniversal Consciousness', first we examine the 'Interuniversal Consciousness' or the 'Intelligence governing the Universe' theoretically. For this purpose, we raise a topic named "the coin of existence" through which we can prove the Consciousness governing the material universe.

We assume everything in the material universe is like a coin with two faces; 'Reality of Existence' and 'Truth of Existence'.



industrial world and provided the opportunity for the world of technology to be acquainted with the greatness of the Connection to the Consciousness governing the universe. Therefore, considering the achievements, Erfan-e-Halgheh Community decided to present complete text of Master *Mohammad Ali Taheri's* theory and supplementary explanations in this book to those who are interested. We, hereby, express our gratitude to all the dears and the people with the same opinion who sincerely helped us in this regard. With their kind hands a gate of the many gates of God's mercy and forgiveness was opened till breeze of insight and wisdom will blow the hearts of the eager people.

Since the theory states the way of impacting on particles and matters and implies improvement of the function of matters and products, it was examined as a process affecting industry. And the results of the researches presented in the scientific associations also brought about some awards* for Erfan-e- Halghe Community.

This way many countries got acquainted with some new achievement of his.

On the other hand, if a theory is novel and in addition to enjoying economical feasibility has industrial application, can be applied for patent.**

Process of registration and acceptance of new theories in developed countries is so difficult and complicated and taking out a patent for it, which is more considered by Erfan-e-Halgheh Community, has difficult phases. The United States of America is one the countries in which giving patent to new theories is done through very delicate investigations.

Fortunately, General Connection of particles Theory was presented in the framework to enjoy conditions of a patent*** and thus made a bridge towards the modern

* Bronze Medal in MTE Malaysia 2012

Silver Medal in EuroInvent Romania 2012

Silver Medal in Itex Malaysia 2012

** Patent is a special document that gives to an innovator the exclusive right to make or sell a new inventive process or product that no one else is allowed to copy.

*** Application Number: 13196596

First Named Inventor/Applicant Name: Mohammad Ali Taheri

Application type: Utility under 35 usc 111(a)

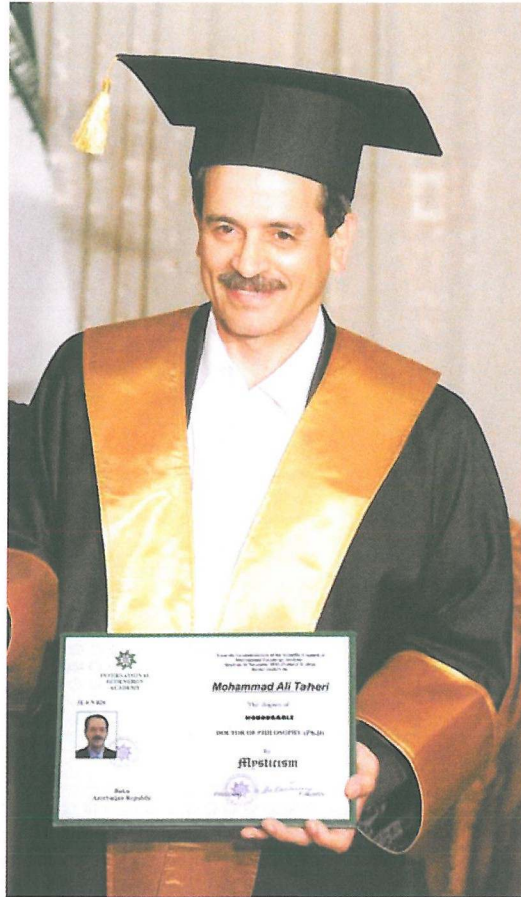
Introduction

During past years Master Mohammad Ali Taheri's theories in form of the Iranian complementary medicines, Faradarmani and Psymatology, and the way of enjoying the Consciousness governing the universe have helped many people in direction of their physical, mental, and emotional health as well as more healthy life.

Also the theory of Mono-form Universe and Connection to the Whole Consciousness and utilizing its facilities including creating different Consciousness Fields in a new theory named General Connection of particles Theory, dealing with change of the matters behavior, were presented to scientific communities by him.

Contents

Introduction	8
Having Influence over the behavior of particles, matters, and ... through the Interuniversal Consciousness.....	12
Reality of Existence	13
Truth of Existence	13
Virtual World.....	15
The world visual image based on the observer's velocity	22
The world visual image based on the observer's eye frequency	28
The scenery of the world in view of the observer's physical perception threshold	31
The scenery of the physical world in view of the light speed.....	32
The scenery of the world in view of the space curvature	34
Final conclusion about the "virtual" world.....	35
Mono-form Universe (Principle of the Formational Unity).....	35
Virtual Universe and the world of science.....	35
Interuniversal Internet	37
General Connection of Particles Theory.....	38
Supplementary Explanations	41



I dived in a sea having neither head nor end,
any drop of which can impact on hundred seas

Anybody who is informed of a bit of secrets of the sea
will be unaware of logic, heart, religion, and life

Title: **General Connection of Particles**

Author: **Dr. Mohammad Ali Taheri**

Subject: **Having influence over the behavior of particles,
matters, and... through the interuniversal consciousness,**

General Connection of Particles Theory

Publisher: **Interuniversal Publishing**

ISBN: **978-1-940491-03-5**

Published by: **Do-Emtiazzy Forte Group**

First Edition: **First / Oct 2013**



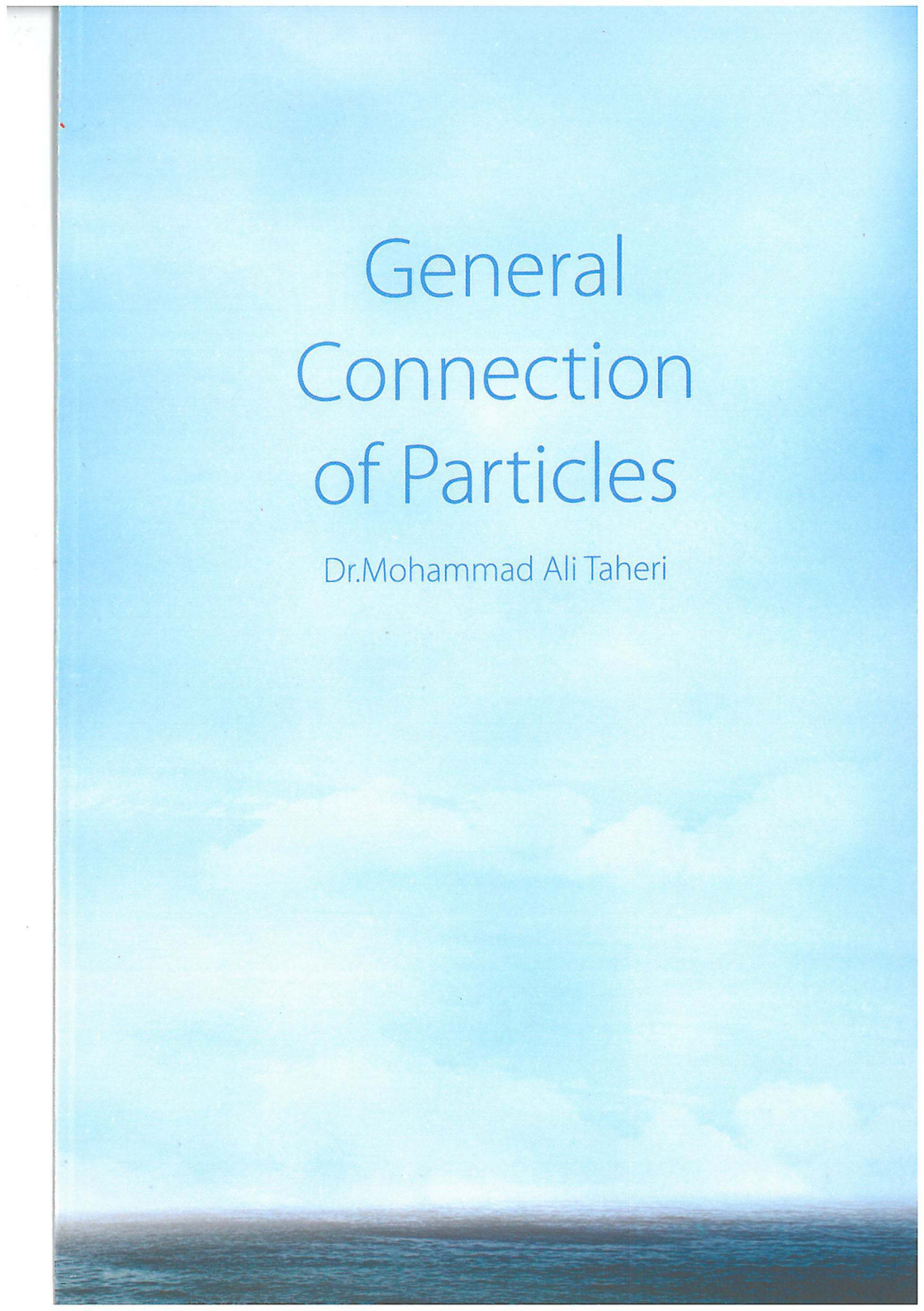
All Rights Reserved.

No part of this Book may be reproduced, or transmitted in any form or by any means; electronic, mechanical, photocopying, or otherwise be copied without prior written permission of the Author



General Connection of Particles

Dr. Mohammad Ali Taheri



General Connection of Particles

Dr.Mohammad Ali Taheri